گیشه پول

### بازخوانی پرونده شبکه بانکی تایید صلاحیت‌ها (۱۹)

## نمایشنامه‌های بانکی

■ **شرق: راشل آرامیان:** محمود بهمنی ۱۵ مهر شمع‌های کیکش را فوت کرد. کیکی که نشان از تمام شدن سه سال خدمتش در بانک مرکزی دارد. او در حالی چهارمین سال خدمتش را آغاز می‌کند که در این سه‌سال خبر استعفایش دو بار به گوش همه رسید و حتی خود نیز برای داغ کردن فضای خبری، سه بار تهدید به استعفا کرد که البته هیچ‌کدام هم عملی نشد. او مدعی بود بانک مرکزی استقلال دارد و در صورتی که کوچک‌ترین خدشه‌ای به استقلال این بانک وارد آید، او بی‌شک استعفا خواهد داد؛ در حالی که آن سوتر مجلس‌نشینان طرحی را در دستور کار داشتند تا استقلال نداشته بانک مرکزی را احیا کنند. اما بهمنی این روزها در شرایط دشوارتری به سر می‌برد که با اتمام سه سال خدمت او در بانک مرکزی مقارن شده است. کابوس اختلاس، دمی او را آرام نمی‌گذارد. کابوسی که هر روز بر ابعاد آن افزوده می‌شود و هر روز بیشتر از قبل قربانی می‌گیرد.

در گام نخست محمودرضا خاوری، مدیرعامل بزرگ‌ترین بانک دولتی کشور، یعنی بانک ملی استعفا داد (البته شاید مجبور به استعفا شد) و پس از او محمد جهرمی، مدیرعامل بانک صادرات و ضرابیه، مدیرعامل بانک سامان برکنار شدند. در گام دوم شمس‌الدین حسینی، وزیر اقتصاد از سوی نمایندگان مجلس تهدید به استیضاح شد. البته مجلس‌نشینان با استضاح وزیر سعی دارند رییس‌جمهوری را وادار به ارایه پاسخ کنند.

نمایندگان مجلس حتی راهی نیز پیش پای وزیر اقتصاد گذاشته‌اند. او با برکناری بهمنی، رییس‌کل بانک مرکزی، می‌تواند از استیضاح رهایی یابد.

این پیشنهاد بی‌شک خواب راحت را از بهمنی ربوده است. او مدت‌هاست برای ماندن در این سمت تلاش کرده به طوری که بسیاری او را در مقایسه با سایر روسای قبلی مانند شیبانی و مظاهری با دولت همراه‌تر می‌دانند. البته او در ظاهر سعی‌داشته خود را با تصمیماتی که اخذ کرده مستقل از دولت به نمایش بگذارد اما تاکنون موفق نشده است. یکی از نمونه‌های بارز آن، تایید صلاحیت مدیران عامل بانک‌ها بود که برای اولین بار در نیمه نخست سال گذشته مطرح و حتی عملیاتی شد.

این طرح جنجالی که با هیاهوی بسیاری همراه بود، بسیاری از مدیرانی را که در راس بانک‌ها بودند، بدون صلاحیت خواند. بانک مرکزی در نخستین واکنش با مقاومت مدیران شش بانک دولتی مواجه شد. چرا که بانک مرکزی در فهرست انتشار یافته، نام هیچ کدام از مدیران بانک‌های دولتی ملی، رفاه کارگران، صادرات، سپه، کشاورزی، مسکن و پست بانک را تایید نکرد و در مقابل نام تمامی بانک‌های خصوصی در فهرست تایید شده‌های بانک مرکزی ثبت شد.

آنان همان مدیرانی بودند که از جانب وزیر اقتصاد به ریاست بانک‌های دولتی گمارده شده بودند. همین یک نکته هم باعث شد تا وزیر اقتصاد رودرروی بانک مرکزی قرار گیرد و از گمارده‌های خود دفاع کند. با این حال، بانک مرکزی کوتاه نیامد و همچنان از درج نام مدیران بدون صلاحیت خودداری کرد. اما معلوم نشد چه اتفاقی افتاد که مدیرانی مانند خاوری و جهرمی که نام‌شان در فهرست تایید شده‌های بانک مرکزی نبود و به همین دلیل تندترین انتقادات را متوجه بانک مرکزی کردند، تایید صلاحیت شدند.

خاوری و جهرمی، مدیران عامل بانک‌های ملی و صادرات جزو آخرین کسانی بودند که توانستند با ارایه مدارک مورد نیاز و سفارش‌هایی که در جریان اختلاس فاش شد، تاییدیه صلاحیت بگیرند. این تنها بعد تایید صلاحیت‌ها در بانک مرکزی نبود. در گام بعد هیات مدیره بانک‌ها نیز سیبل بانک مرکزی شد. بررسی صلاحیت مدیران بانکی و هیات مدیره آنها در واقع از زمانی در بانک مرکزی کلید خورد که این نهاد پذیرای ورود حمید پورمحمدی، به عنوان قایم‌مقام بانک مرکزی شد. فعالان بانکی پیشتر او را از طریق سمتش در وزارت اقتصاد می‌شناسند. پورمحمدی، پیش از آمدن به بانک مرکزی معاون بانک و بیمه وزارت اقتصاد بود. با آمدن او سعی شد بخش نظارت بانک مرکزی تقویت شود. ادارات جدیدی هم به بخش نظارت اضافه شد تا رکن نظارت بانک مرکزی قوی‌تر از قبل عمل کند. همگان در بانک مرکزی به این اقدام می‌نازیدند و از آن می‌گفتند تا اینکه اختلاس سه‌هزار میلیاردی مانند آوار بر سر بانک مرکزی فرو ریخت.

بهمنی در نبود خاوری، پاسخگوی تایید صلاحیت مدیران عاملی چون بانک ملی شد اما وی ملاحظات را کنار گذاشت و از انتخاب خاوری توسط فرد دیگری خبر داد. بهمنی با این حرف ناگفته‌های زیادی را فاش کرد؛ او به طور غیرمستقیم گفت که تحت فشارهای بیرونی است و اینکه پروژه تایید صلاحیت‌ها «نمایشی» بیش نبوده تا توجه دیگران را از نداشته‌ها به داشته‌های بانک مرکزی سوق دهد. اما بهتر است بهمنی به جای پرداختن به طرح‌های بی‌نتیجه‌ای مانند تایید صلاحیت‌ها که به هیچ کار هم نیامد قدری به تقویت واقعی استقلال این نهاد بیندیشد.

### نگاهی به معیشت و اوضاع اقتصادی شهروندان جانباز و مصدومان جنگی

# آدم‌هایی که جلد شناسنامه‌هایشان نیز درد می‌کند

**شرق:** گاهی اوقات در مورد برخی از آدم‌ها یا بعضی از گروه‌های اجتماعی به گونه‌ای صحبت می‌شود که تو گمان می‌بری آنها آخر مدینه فاضله ایستاده‌اند یا شاید هم نشسته‌اند و از یک زندگی شیرین بهره‌مند هستند، اما وقتی کمی به آنها نزدیک می‌شوی، می‌بینی شعارها یا همان سخن‌ها تا حد زیادی اغراق کرده‌اند و اصلا مدینه فاضله‌ای وجود ندارد. در مورد جانبازها بدون تعارف این اتفاق رخ داده است. این روزها اینکه یک مدیر دولتی، پشت تریبونی بایستد و از مزایایی که در اختیار جانبازها قرار گرفته است، سخن بگوید به تصویری تکراری تبدیل شده است ولی در سوی دیگر ماجرا، جانبازها روایتی از زندگی خود ارایه می‌دهند که فاصله آن با کلام و گفتار مسوولان اجرایی کمی تا حدودی زیاد است البته قبل از خواندن این گزارش، فراموش نکنید که جانبازها نقطه عطف غرور ملی و اوج سلحشوری هستند، اما این مساله ظاهرا اکنون دستاویزی برای پزهای مدیریتی شده است، چون وقتی با یک جانباز یا یادگاری از دوران آتش، گلوله، حماسه و شهادت سخن می‌گویی، مشکلات زندگی برایش تبدیل به بغض می‌شود و هیچ واهمه‌ای ندارد تا به واسطه هجوم بغض، دایم در میان کلماتش سکوت کند و این یعنی درد. لطفا به این جملات به شکل شعار هم نگاه نکنید. ما تنها می‌خواهیم از واقعیت‌هایی سخن بگوییم که حضور آنها در زندگی افرادی با نام جانباز تا حد زیادی متفاوت است با تخیلی که در مورد رفاه جانبازان طراحی و تبلیغ شده است. شاید برای شروع ماجرا بهتر باشد این پرسش را طرح کنیم که آیا تا به حال به این فکر کرده‌اید که یک جانباز شیمیایی یا یک جانباز روحی و روانی چگونه زندگی خود را به لحاظ اقتصادی در طول یک ماه جمع می‌کند؟ آیا تا به حال به این اندیشیده‌اید که جانبازانی که در طول یک روز بارها زمین و زمان دور سرشان می‌چرخد و بارها نیز سقوط روی سنگ‌های خیابان را تجربه کرده‌اند، چگونه می‌توانند در اوج گرانی کالاهای مصرفی و داروهای خاص درمانی پله‌های معیشت ماهانه خود را تکمیل کنند. باز هم باید یک تبصره به این قسمت از متن اضافه کنیم که لطفا استثناها را فراموش کنید، ما از یک کلیت معیشتی در میان جانبازان حرف می‌زنیم. «گاهی اوقات می‌خواهم سرم را به دیوار بکوبم». این را یک جانباز شیمیایی به ما گفت. ماجرا ساده است، ما فقط از او پرسیدیم که آیا واقعا زندگی شما آن طور که دولتی‌ها می‌گویند یا برخی از مدیران اجرایی شعار می‌دهند، بر وفق مراد است که او گفت: «هر وقت این شعارها را می‌شنوم دلم می‌خواهد سرم را به دیوار بکوبم. برخی به گونه‌ای در مورد ما شعار می‌دهند که انگاری برای برداشتن بار زندگی از روی دوش ما قدم‌های بزرگی برداشته‌اند، اما واقعیت اینجاست که زندگی ما درد گرفته است.» این جملات ساده‌ای نیست، وقتی می‌شنوی که یک جانباز شیمیایی، هر ماه باید فقط بیش از ۳۰۰ هزار تومان پول دارو بدهد، آن وقت به این نتیجه می‌رسی که سر به دیوار زدن تنها انتخاب موجود است. البته این ۳۰۰ هزار تومان کمترین وجهی است که برای داروها پرداخت می‌شود. جانبازهای شیمیایی ۷۰ درصد، ظاهرا نیاز به این دارند که هر ماه ۲۰ روز در بیمارستان بستری باشند. شما محاسبه کنید که این استراحت ۲۰ روزه و اجباری چه رقمی از درآمد جانبازها را به خود اختصاص می‌دهد. یکی از مجروحان شیمیایی جنگ می‌گفت که این گروه از جانبازها خوشبخت‌ترین مصدومان جنگی هستند، چون هر ماه نزدیک به یک میلیون و ۲۰۰هزار تومان حقوق جانبازی دریافت می‌کنند. یعنی حقوقی که زندگی آنان را روی نوار مرزی زنده ماندن نگه می‌دارد. شاید شما از این جمله کمی عصبانی شوید، ولی این یک واقعیت است. یک میلیون و ۲۰۰هزار تومان برای جانبازی که باید در ماه ۲۰ روز در بیمارستان بستری باشد و در کنار آن معیشت خود را نیز حفظ کند، گروهی از داروهای خاص را به صورت مرتب خریداری کند و سایر هزینه‌های زندگی را نیز تامین کند، بیشتر رقمی شبیه طنز است و اقتصادی تخیلی را به رخ می‌کشد. اما گره اصلی ماجرا اینجا است که این گروه از جانبازها به دلیل مشکلات جسمی قادر نیستند در هر شغلی فعالیت مستمر داشته باشند.

**جایی میان رفتن و ماندن**

حداد، رییس انجمن دفاع از حقوق مصدومان شیمیایی سردشت می‌گوید: «جانبازان شیمیایی از نظر معیشتی اوضاع بسیار بدی دارند. زندگی آنها شبیه ایستاده در مرز ماندن و رفتن شده است. تعداد بسیار کمی از آنها مزایای قابل توجهی دارند، اما اکثریت از بدی وضعیت معیشت، تنگناهای بسیاری بدی را تجربه می‌کنند.» او ادامه می‌دهد: «اکثر شهروندان سردشتی از مصدومیت شیمیایی رنج می‌برند، اما حتی یک بیمارستان تخصصی برای جانبازهای شیمیایی در این شهر وجود ندارد. جانباز شیمیایی به متخصص پوست، اعصاب و روان نیاز دارد و برای دسترسی به این خدمات رفاهی جانبازها باید به تهران بروند. همین مساله هزینه‌های جانبازهای شیمیایی را تا چند برابر افزایش داده است.» حداد با اشاره به اینکه در سردشت بیشتر از ۱۲هزار جانباز شیمیایی زندگی می‌کنند، گفت: «بنیاد جانبازها تعداد مصدومان شیمیایی جانبازها را در سردشت یک‌هزار و ۴۰۰ نفر اعلام کرده است. البته این آمار تا حدی قدیمی است، چون در سال گذشته که آمارها به طور رسمی اعلام نمی‌شدند در مورد جانبازهای شیمیایی سردشت نیز معیار رسمی وجود نداشت. بنیاد شهید و ایثارگران فقط به ۴۰۰ نفر از این مصدومان مزایا و حقوق می‌دهد. سایرین باید همه داروهای خود را بدون هیچ کمک اقتصادی تهیه کنند.» او می‌گوید: «یک جانباز ۳۰ درصدی در ماه فقط ۳۰۰ هزار تومان هزینه دارو دارد. یک اسپری تنفسی حداقل ۴۰ تا ۴۵ هزار تومان فروخته می‌شود. البته جانبازها به داروهای دیگری نیز نیاز دارند که هر از گاهی برای یک جانباز ۳۰ درصدی هزینه دارو از ۳۰۰هزار تومان بسیار فراتر می‌رود. برای جانبازهای ۷۰ درصدی این رقم حتی تا چهار برابر افزایش می‌یابد. اگر زندگی در شرایط تورمی و اوضاع اقتصادی فعلی هیچ خرجی به جز دارو نداشت، آن وقت شاید جانبازها می‌توانستند با سختی کمتری زندگی کنند.»

**یک جانباز ۳۰ درصدی در ماه فقط ۳۰۰ هزار تومان هزینه دارو دارد. یک اسپری تنفسی حداقل ۴۰ تا ۴۵ هزار تومان فروخته می‌شود. البته جانبازها به داروهای دیگری نیز نیاز دارند که هر از گاهی هزینه دارو از ۳۰۰هزار تومان بسیار فراتر می‌رود. برای جانبازهای ۷۰ درصدی این رقم حتی تا چهار برابر افزایش می‌یابد**

**دارو طلا شده است، مسکن رویا مانده است**

مشکلات جانبازان اما به جانبازان شیمیایی محدود نمی‌شود. امروز به اعتراف مصدومان جنگی، همه افرادی که در جنگ مجروح شدند از مشکلات ریز و درشت رنج می‌برند. یکی از جانبازان قطع نخاعی می‌گفت، همه ما به جایی رسیده‌ایم که هر از گاهی آرزو می‌کنیم پایان زندگی را هر چه زودتر ببینیم. او را روی ویلچری دیدیم که به قول خودش یادگار یکی از دوستان مجروحش است؛ دوستی که چند سال پیش شانه‌های مرگ را بوسه زد. او وقتی به آرامی سخن می‌گفت و در میان کلماتش زیاد سکوت می‌کرد اعتراض داشت و با درشتی می‌گفت که آنقدر درباره ما شعار داده‌اند که مردم گمان می‌برند ما با حق و حقوق ویژه و امکاناتی که متعلق به همه است زندگی می‌کنیم. وقتی این جمله را می‌گفت، پیشانی‌اش کش آمده بود و به نقطه‌ای خیره شده بود. معیشت جانبازان تنها پرسشی بود که خنده را به صورت او پرتاب کرد و گفت: «معیشت ما بیشتر شبیه به طنز شده است. ۸۰ درصد جانبازهای شیمیایی ما، با مشکل دارو مواجه هستند. به همین اندازه جانبازهای قطع نخاعی ما مشکل آسایشگاه و امکانات رفاهی دارند. یک جانباز شیمیایی معمولی در ماه یک میلیون تومان حقوق می‌گیرد و فقط باید ۶۰۰ هزار تومان پول دارو بدهد. به ما یارانه داده‌اند و چند روز پیش یکی از مدیران دولتی می‌گفت که این یارانه‌ها گره اقتصادی زندگی مردم را باز کرده است. ۴۵ هزار تومانی که برای یارانه می‌دهند فقط پول یک اسپری است که مجروحان شیمیایی از آن استفاده می‌کنند. جانبازان روحی، روانی در آسایشگاه‌هایی زندگی می‌کنند که از کمترین امکانات بهره‌مند هستند. در این اوضاع شما بگویید که یک جانباز چگونه می‌تواند همه نیازهای زندگی خود را تامین کند. فراموش نکنیم که جانبازها شاید به دلیل گرفتاری خاص جسمی توانایی همه کارها و در ساعات طولانی را هم نداشته باشند.»

**مجلس تصویب می‌کند دولت اجرا نمی‌کند**

علی افشاری، جانباز دیگری است که مشکلات جانبازها را به دو گروه تقسیم می‌کند. او می‌گوید: «از اصلی‌ترین مشکلات جانبازها قوانینی است که مجلس تصویب می‌کند و دولت آنها را اجرا نمی‌کند. من چند روز پیش به بیمارستان جانبازها که متعلق به گروه جانبازان جنگ است، مراجعه کردم و آنها از من پول گرفتند. وقتی به آنها گفتم که جانباز هستم، با بی‌تفاوتی برخورد کردند، در صورتی که این یک رفتار غیرقانونی است.» او اضافه می‌کند: «اگر رانت نداشته باشی یا کسی که نفوذ دارد از تو حمایت نکند، هزینه‌هایت تا چند برابر افزایش می‌یابد.» افشاری ادامه می‌دهد: «در مورد مسکن جانبازها بدون شک امکانات در حد صفر است. البته بر اساس مصوبه مجلس ۲۰ میلیون تومان وام مسکن به جانبازها تعلق می‌گیرد ولی با این ۲۰ میلیون تومان هیچ کاری نمی‌شود کرد. در واقع این ۲۰ میلیون تومان حتی چاله‌ای را برای خرید مسکن پر نمی‌کند.» به نظر می‌رسد باید به این مصدوم جنگی حق داد. از سال ۸۴ به بعد که قیمت‌ها در بازار مسکن رشد انفجاری را تجربه کردند تا امروز قیمت‌ها به گونه‌ای رشد پیدا کردند که وام‌های مسکن را بیش از هر زمان دیگری به پدیده‌هایی با کمترین کارآیی تبدیل کردند. وام‌های مسکن حتی روزهایی در بازار خرید و فروش می‌شد که در بسیاری از مواقع روی دست فروشندگان باقی می‌ماند. افشاری در ادامه سخنانش می‌گوید: «برخی از وسایل و امکانات پزشکی را اصلا در اختیار جانبازها قرار نمی‌دهند. به عنوان مثال جانبازان هیچ خدماتی برای درمان دندان و دهان ندارند. من در دوران جنگ و در یکی از میادین جنگی در حالت بیهوشی روی زمین بودم. یکی از سربازان عراقی به بالای سر من آمد و با آخرین توان ضربه‌ای با پوتین به دهان من کوبید. من در اوج آن ضربه هیچ حرکتی نکردم و سرباز عراقی گمان برد که مرده‌ام ولی امروز جراحتی را که از آن ضربه باقی ماند، جزو محرومیت من حساب نمی‌کنند و می‌گویند به ما ربطی ندارد.»

او ادامه می‌دهد: «وضع جانبازهای روحی و روانی فاجعه‌بار است. یکبار به کمیسیون پزشکی جانبازها بروید و ببینید چه آشفتگی بزرگی در آن وجود دارد. در این شرایط بدون شک معیشت جانبازها نمی‌تواند اوضاع عادی و نرمالی داشته باشد. امروز بنیاد جانبازها و ایثارگران زیر نظر دولت است اما به لحاظ امکانات اقتصادی در چند سال گذشته هیچ چیز قابل توجهی از آنها دیده نشده است.» هر چند این روزها منحنی‌های اقتصادی ایران شرایط ناخوشایندی را مزمزه می‌کنند، اما در این وضع جانبازها بیش از سایر اقشار اجتماعی متحمل زیان‌های اقتصادی شده‌اند. گاهی اوقات لازم است تا بی‌پیرایه سخن گفت. بدون شک هیچ تعارفی در میان نیست. برای همین باید قاطع گفت که آقایان برنامه‌ریز اقتصادی لطفا کمی در هیاهوی شعارهای خود آهسته‌تر برانید. جانبازها امروز زندگی اقتصادی خود را به درد تشبیه می‌کنند و در سایه تمام تمثیل‌های مدیران دولتی معیشت را اتفاقی می‌دانند که برای آنها واگویه‌های تلخی را به همراه داشته است.ای کاش شما به این پرسش پاسخ می‌دادید: چگونه یک جانباز وقتی ۸۰درصد درآمد ماهیانه خود را صرف خرید دارو و خدمات پزشکی می‌کند، می‌تواند سایر هزینه‌های زندگی را به زیر بکشد. باور کنید اینجا حتی سایه‌های اقتصاد و معیشت نیز برای شهروندان جانباز درد می‌کند. به میان آنها برویم.

### عضو ناظر مجلس در شورای پول و اعتبار تشریح کرد

## ردپای شعب برخی بانک‌ها در سوءاستفاده مالی اخیر

**ایسنا:** اعضای شورای پول و اعتبار، گزارش وزیر اقتصاد و رییس‌کل بانک مرکزی درباره سابقه مطرح‌شدن تاسیس بانک آریا، مراحل سپری‌شده و وضعیت فعلی بانک را مورد بحث و بررسی قرار دادند. هادی قوامی، عضو ناظر مجلس در شورای پول و اعتبار گفت: بانک مرکزی نام برادران امیر خسروی و شرکت سرمایه‌گذاری آریا را از ترکیب سهامداران این بانک حذف کرده بود، ولی در مرحله پذیره‌نویسی ردپای سوءاستفاده و فریب شناسایی شد. شناسایی این تخلف به این صورت انجام شده که در یکی از شعبه‌های بانک ملت در ساعت ۶:۴۰ تا ۷:۱۵ صبح یعنی قبل از آغاز ساعت اداری بانک، پذیره‌نویسی پایان می‌یابد. با ردیابی دقیق بانک مرکزی، فرد و منشاء پول‌های پرداخت‌شده در مرحله پذیره‌نویسی شناسایی می‌شود. منشاء این پول‌ها همان ال‌سی‌هایی بوده که به صورت غیرقانونی گشایش شده است. این عضو هیات‌رییسه کمیسیون برنامه و بودجه مجلس اظهار کرد: پس از اثبات عمل متقلبانه موسسان بانک آریا برای شورای پول و اعتبار، این شورا تصمیم به عدم معرفی بانک آریا به ثبت شرکت‌ها گرفت. شورای پول و اعتبار مجوزهایی را که برای ثبت در سازمان ثبت اسناد و املاک کشور صادر کرده بود کان‌لم‌یکن اعلام و مجوز بانک را لغو کرد. وی با بیان اینکه «جلسه شورای پول و اعتبار چگونگی گشایش ال‌سی در بانک‌های صادرات، ملی، سامان، رفاه کارگران و سپه را دستور بعدی شورای پول و اعتبار دانست»، گفت: تخلفات بانک‌های رفاه، کارگران و سپه و چند بانک دیگر در قضیه سوءاستفاده مالی محدود و در حد یک‌درصد بود و قابل ذکر نیست. بیشترین تخلف در گشایش اسناد اعتباری در بانک صادرات شعبه فولاد اهواز، شعبه بانک ملی کیش و شعبه بانک سامان کیش انجام شده است. در این جلسه ۱۳ تخلف برای بانک صادرات شمرده شد که اکثر تخلفات این بانک در بانک‌های ملی و سامان نیز تکرار شده است. این عضو ناظر مجلس در شورای پول و اعتبار گفت: با ردیابی‌های انجام شده از سوی شورای پول و اعتبار، ماهیت خریدار و فروشنده ال‌سی‌ها یکی تشخیص داده شده است. افزون بر آن، ضعف کنترل داخلی بانک صادرات، گشایش اسناد اعتباری چند برابر توان بانک صادرات شعبه فولاد اهواز، ثبت نشدن تعداد زیادی از اسناد اعتباری در بانک‌ها، تاخیر در ثبت ال‌سی‌های ثبت شده و پرداخت با تاخیر مبالغ مربوط به گشایش اسناد اعتباری از دیگر موارد تخلف بانک صادرات است. وی از بیان تصمیمات شورای پول و اعتبار درخصوص متهمان و شرکای بانکی آنان صرف‌نظر و ارایه هرگونه اطلاعات در این‌باره را به آینده موکول کرد. وی همچنین برکناری مدیرعامل و هیات‌رییسه بانک گردشگری از سوی بانک مرکزی را موضوعی افزون بر این سوءاستفاده دانست.

خبر

### متاخرین تا ۵۰ درصد جریمه می‌شوند

■ **فارس:** مهلت ارایه اظهارنامه مالیات بر ارزش افزوده مودیان مالیاتی پایان ساعت کاری روز گذشته به اتمام رسید و پارچه‌فروشان تا پایان مهرماه مهلت ارایه اظهارنامه خواهند داشت. مهلت ارایه اظهارنامه مودیان مالیات بر ارزش‌افزوده دیروز به اتمام رسید. سازمان امور مالیاتی مدتی پیش مهلت ارایه اظهارنامه مالیات بر ارزش افزوده را تا ۱۶ مهر تمدید کرده بود که در این صورت دیروز این مهلت به اتمام رسید. طبق این قانون در صورت عدم ارایه اظهارنامه مالیات بر ارزش افزوده در موعد مقرر، مودی تا ۵۰ درصد جریمه خواهد شد. در مجموع جرایمی که این قانون برای مودیان مالیات بر ارزش افزوده در نظر گرفته ۲/۵ برابر بیش از مالیاتی است که باید بپردازد.

### افتتاح واحدهای مسکن مهر پایتخت به آبان موکول شد

■ **مهر:** مدیر کل مسکن و شهرسازی استان تهران با اعلام دلایل تاخیر در افتتاح پروژه‌های مسکن مهر در استان گفت: ۲۰ هزار واحد مسکن مهر استان تهران تا پایان آبان‌ماه افتتاح می‌شوند. تقی رضایی درباره تاخیر افتتاح پروژه‌های مسکن مهر در استان تهران، اظهار داشت: پروژه‌های مسکن مهر در استان تهران به دلیل کمبود زمین با تاخیر آغاز شد اما با شتاب زیادی ساخت‌وساز ادامه یافت.

### جمع‌بندی ۲۰ ماده از پیش‌نویس قانون کار در غیاب نمایندگان شوراها
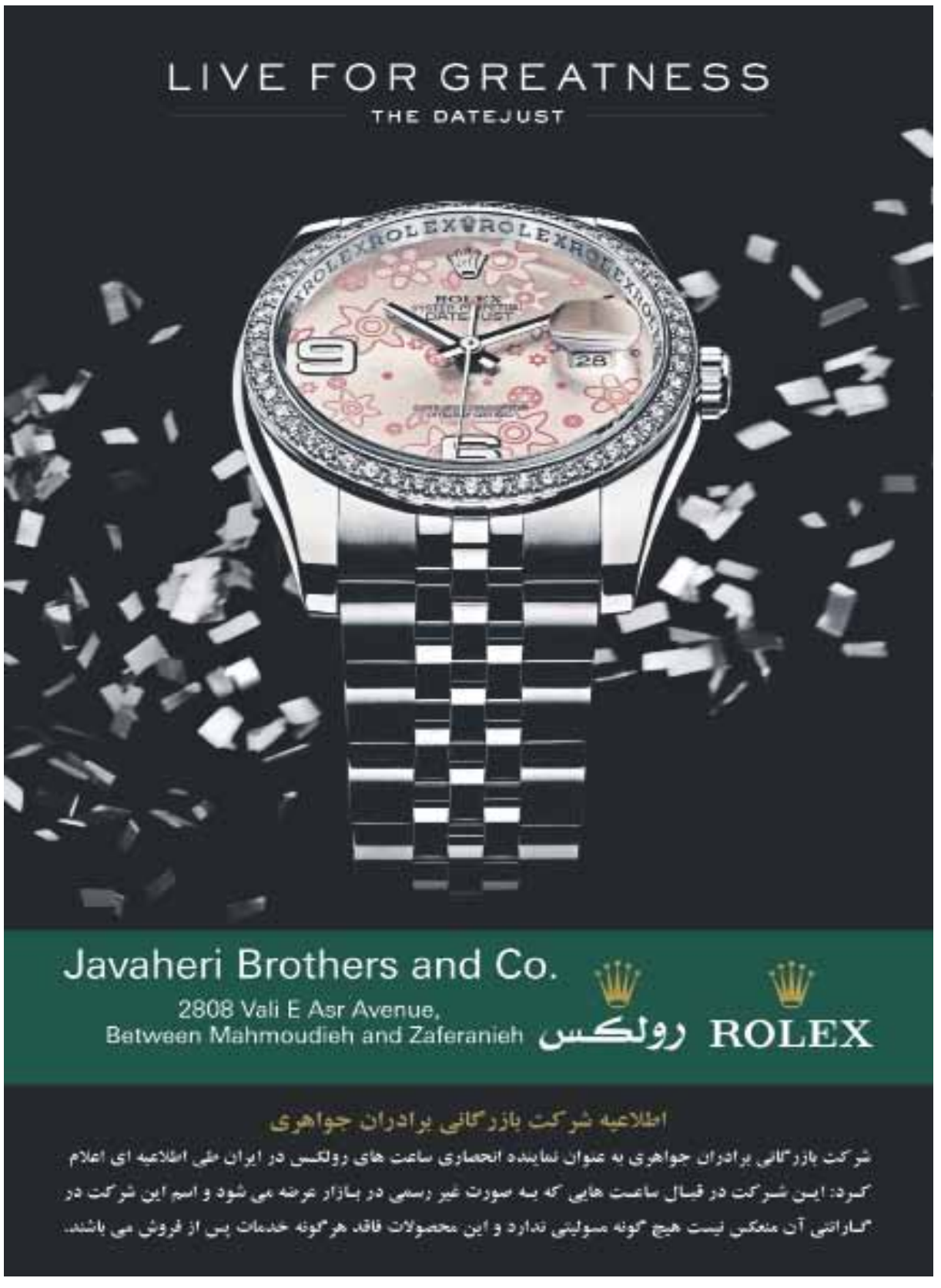
■ **فارس:** رییس مجمع نمایندگان کارگری با بیان اینکه ۲۰ ماده از پیش‌نویس اصلاح قانون کار جمع‌بندی شده، گفت: در جلسه هفته گذشته سه تشکل عالی نمایندگان شوراها حضور پیدا نکرده که علت آن نامشخص است. محمد یاراحمدیان با اشاره به جلسه هفته گذشته سه تشکل عالی کارگری برای توافق و جمع‌بندی پیش‌نویس اصلاح قانون کار، اظهار داشت: سومین جلسه کمیته ملی کارگری اصلاح قانون کار تشکل شد و نمایندگان مجمع عالی نمایندگان به همراه کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگری در آن حضور داشتند. وی ادامه داد: متأسفانه نمایندگان کانون عالی شوراهای اسلامی کار در این جلسه حضور نداشتند و بررسی پیش‌نویس اصلاح قانون کار بدون حضور نمایندگان شورا انجام شد. به گفته یاراحمدیان جلسه آینده تشکل‌های عالی کارگری برای جمع‌بندی اصلاح قانون کار دوشنبه هفته جاری برگزار خواهد شد.